

نگرش مختصر بر زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید خان دوم (۱۹۱۸-۱۸۴۲م)

حفیظ الله رسولی^۱، سید احمد خالد شریفی^۲

*۱. پوهنوال، دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0004-4399-3628> - hafizullahrasuly@gmail.com

*۲. پوهنیار، دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0002-2498-3801> - s.sharify2020@yahoo.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.55>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۷)

چکیده

مقاله‌ی حاضر تحت عنوان «نگرش مختصری بر زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۴۲-۱۹۱۸م)» با در نظر داشت مبرمیت موضوع پیرامون یک بخش از زوایای مهم تاریخ امپراتوری عثمانی تحریر و بعد از مطالعات دقیق مورد تدقیق قرار گرفته است؛ زیرا فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و در کل اجتماعی سلطان عبدالحمید دوم بر عظمت و شکوه امپراتوری مذکور بیش‌تر از پیش افزوده است. هدف از نگارش و نشر مقاله‌ی حاضر شناساندن بخش از تحولات امپراتوری عثمانی است که با کارنامه‌ها و فعالیت‌های سلطان مزبور گره می‌خورد که در لابلای این عیدیه‌ی علمی مورد مطالعه قرار خواهیم داد؛ بنابراین، روش نگارش مقاله‌ی حاضر با در نظر داشت پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ عثمانی و تأثیرات آن تا این اواخر در سیاست و فرهنگ شرق میانه با روش‌های تحلیلی و توصیفی جهت دریافت حقایق از طریق مراجع و منابع معتبر مورد غور و بررسی قرار گرفته است؛ بدین اساس مهم‌ترین نتیجه فعالیت علمی-تحقیقی حاضر بخش از امپراتوری عثمانی را در زمان سلطان عبدالحمید دوم انعکاس و راجع به اختلافات داخلی، تغییر نظام، دسیسه‌های خارجی به خصوص انگلیس جهت تحقق اهداف‌شان از جمله عواملی بود که زمینه را برای زوال حکومت عثمانی فراهم ساخته بود، تشکیل می‌دهد؛ زیرا مؤرخان عصر معاصر در رابطه به پیش‌رفت‌های امپراتوری عثمانی در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم و مشروطیت عثمانی‌ها در زمان وی را با ارائه‌ی نظریات سازنده بعد از تحلیل و بررسی دقیق از طریق منابع‌های معتبر و کتب با اعتبار که از اصالت علمی برخوردارند؛ به‌دست نشر سپرده و عظمت کارنامه‌ها و فعالیت سلطان عبدالحمید دوم را انعکاس داده‌اند.

کلمات کلیدی: اسلام، امپراتوری، عثمانی، ترکان جوان، عبدالحمید دوم.

A Brief Look on the Life and Activities of Sultan Abdul Hamid Khan II (1842-1918)

Hafizullah RASOLY^{1*}, Sayeed Ahmad Khalid SHARIFI²

1*. Associate Prof. Department of History, Faculty of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

hafizullahrasuly@gmail.com <https://orcid.org/0009-0004-4399-3628>

2. Teaching assistant, Department of History, Faculty of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

s.sharify2020@yahoo.com – <https://orcid.org/0000-0002-2498-3801>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.55>

(Received: 28/06/2024 - Accepted: 07/11/2024)

Abstract

This article, entitled "A Brief Look on the Life and Activities of Sultan Abdul Hamid II (1842-1918) CE", considering the important aspects of the history of the Ottoman Empire and after careful studies, has been examined because the political, cultural and social activities of Sultan Abdul Hamid II have increased the greatness and glory of the empire. Publishing this article is a part of developments of Ottoman Empire, which is tied to the works and activities of sultan, which we will study in the publication of these many scientific studies, so the method of writing this article considering the most complex periods of Ottoman history and its effects until recently in middle east politics and culture with analytical and descriptive methods to get the facts through references. Therefore, the most important result of scientific-research activities of this part of the Ottoman Empire during the reign of Sultan Abdul Hamid II reflected and about internal divisions, system change, foreign plots, especially British to achieve their goals, were among the factors that paved the way for the demise of the Ottoman empire, because the contemporary era's leaders in relation to the advances of the Ottoman Empire. The reign of Sultan Abdul Hamid II and the Ottoman constitutionality during his time were published by presenting constructive theories after careful analysis through credible sources and books of scientific authenticity and reflecting the greatness of sultan Abdul Hamid II's works and activities.

Keywords: Empire, Islam, Ottoman, Young Turks And Abdolhamid II.

مقدمه

امپراتوری بزرگ و با عظمت عثمانی در اواخر قرن ۱۸م و اوایل قرن ۱۹م تحت تأثیر کشورهای استعمارگر ابرقدرت قرار گرفته بود. بدین اساس روزه‌روز روند رشد آن تضعیف و مناطق متصرفه خود را از دست می‌داد؛ اما بعد از استیلای سلطان شهیر واپسین امپراتوری مذکور (عبدالحمید دوم) صفحه جدیدی در روند تشکل مجدد خاندان مذکور رونما گردید. سلطان عبدالحمید زمانی بر اریکه قدرت و کرسی خلافت تکیه زد که پایه‌های امپراتوری عثمانی متزلزل و در عین حال خزانه دولت نیز به دلیل بی‌کفایتی سلطان قبلی (سلطان عبدالعزیز) تهی شده بود. بدین اساس کشورهای غربی باهم متفق گردیده، سرزمین‌های تحت خلافت سلطان قبلی را بین خود تقسیم کردند. بنابراین، سلطان عبدالحمید با روش زیرکانه و صبورانه خویش توانست اکثریت مخالفان ترکان عثمانی را جذب و در صف خود قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق هذا شناسایی بخش مهمی از زوایای ناشناخته امپراتوری عثمانی در زمان سلطان عبدالحمید دوم می‌باشد، که از طریق فعالیت‌های سلطان مذکور ضرور دیده شد. سلطان عبدالحمید دوم خدمات شایسته و قابل تذکری راجع به ترکان جهان که در تاریخ بشریت تحت نام (شمشیر اسلام) مقلبانده انجام داد. زیرا امپراتوری عثمانی از آوان تأسیس تا اواخر عمر خویش در دنیای اسلام برای اعاده برنامه‌های اسلامی نقش اساسی ایفا نموده است. البته بخشی از برنامه اسلامی تحت قیادت و رشادت سلطان عبدالحمید دوم در منصفه عمل قرار گرفت، که از هر حیث در خور اهمیت می‌باشد.

مهم‌ترین دستاوردها و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید خان دوم خلیفه عثمانی چیست؟ سلطان مذکور چگونه به قدرت رسید؟ روابط سلطان عبدالحمید دوم با ترکان جوان چگونه بود؟ در این زمینه‌ها کتاب‌ها و مقالات معتبری نوشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اسماعیل احمد در اثر خویش تحت عنوان: «دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال» در مورد سلطان عبدالحمید دوم به طور اجمالی معلومات داده به این باور است که (... وی زیر نظر بزرگان علم و اخلاق زمان خود به فراگیری علم پرداخته است) (احمد، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۵).

در کتاب «تاریخ و فرهنگ ترکمن‌ها» اثر محمد صالح راسخ یلدرم در مورد آغاز عصر تنظیمات ترکان عثمانی چنین آمده است: (... تعداد درباریان عثمانی درک کرده بودند که نهادهای مذهبی و نظام قدیمی دیگر جواب‌گوی نیازهای امپراتوری در جهان مدرن نیست) (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۹).

همین‌طور استانفوردجی شاو و ازل کورال شاو در رساله‌ای تحت عنوان «امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید»، گوشه‌ای از اصلاحات عبدالحمید دوم به‌خصوص راه‌آهن را چنین روایت می‌کند: (... احداث شبکه راه‌آهن که اندکی پس از جنگ کریمه آغاز یافت و دلیل بحران‌های مالی در اوایل ۱۸۷۰ م نیمه‌تمام ملند؛ اما طی سلطنت عبدالحمید دوم یکی از بخش‌های مهمی بود که اروپاییان را به سرمایه‌گذاری در آن جلب کرده بود) (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۱۵۳).

سبحان پاکپور نویسنده دیگری است که در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ عثمانی» درباره برکناری و مرگ سلطان عبدالحمید دوم چنین اشاره نموده است: (... عبدالحمید دوم پس از ۳۴ سال سلطنت به فتوای شیخ العظم برکنار و بعد به شهر سالونیک انتقال داده شد که در آنجا به مدت ۳ سال زندان خانگی بود؛ اما بعد به استانبول انتقال داده شد که بعد از ۶ سال زندگی راحت به اثر مریضی که عاید حالش شده بود در سال ۱۹۱۸ درگذشت) (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۷).

اکثر آثاری که در دسترس ما قرار دارد، راجع به شخصیت و کارنامه‌های سلطان عبدالحمید دوم به شکل اجمالی به توضیح و تشریح، نقد و بررسی سلطنت سلطان عبدالحمید دوم پرداخته اند؛ اما در این مقاله تا حدی خلاءهای نگارشی آن‌ها را تکمیل و درج صفحات این اثر علمی-تحقیقی نمودیم، که برای روشن شدن اذهان خواننده‌گان خالی از مفاد نخواهد بود. روش تحقیق این مقلله روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای انجام گردیده است. مهم‌ترین اهداف این تحقیق، بررسی و آشنایی در مورد زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید دوم می‌باشد، که بخشی از تحولات امپراتوری عثمانی را در بر می‌گیرد.

مقاله هذا راجع به مسایل مهمی از قبیل: زندگی، شخصیت و کارنامه‌های سلطان عبدالحمید خان دوم، ظهور ترکان جوان، رشد و تحولات امپراتوری عثمانی، توسعه صنعت، زندگی شهری، رشد دستگاه اداری حکومت، پیشرفت‌ها، چالش و غیره می‌پردازد.

الف) زندگی و شخصیت سلطان عبدالحمید دوم

سلطان عبدالحمید دوم در روز چهارشنبه ۲۱ سپتامبر ۱۸۴۲م متولد شد. وی فرزند دوم سلطان عبدالمجید است که نام مادرش (تیری مژگان) همسر دوم سلطان عبدالمجید می‌باشد.

سلطان عبدالحمید دوم سی و چهارمین سلطان امپراتوری عثمانی و درعین حال به سن ۳۴ سالگی بعد از عزل برادرش مراد، در روز پنجشنبه ۳۱ اگست ۱۸۷۶م قدرت امپراتوری عثمانی را به عهده گرفت، شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی خلافت او را قبول نموده،

بعد با حضور بزرگان دین در مسجد جامع ابو ایوب انصاری او را خلیفه اسلام اعلام کردند (انصاری، ۱۳۸۸، ص. ۹۴).

عبدالحمید فردی هوشیار، سیاستمدار، ادیب، شاعر و مسلط بر زبان‌های عربی، فارسی و ترکی بود و بسیاری از کتب ادبی و تصوف را مطالعه کرده بود. او چگونگی کاربرد سلاح‌های روز را به خوبی می‌دانست و در اسب‌سواری و شمشیرزنی و تیراندازی، رقیبی نداشت. رخدادهای جهانی را دنبال می‌کرد و موقعیت کشورش را نسبت به این رخدادها موردبررسی قرار می‌داد. وی درعین حال فردی بسیار باتقوا و خداترس بود، به عبادات و شعائر اسلامی پابند بود، بسیاری او را با لقب (اولو خاقان)؛ یعنی پادشاه بزرگ می‌شناختند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۸۹۳). کینه‌ورزان غربی به او لقب سلطان سرخ و قاتل بزرگ داده بودند و با متهم کردن او به قتل‌عام ارمنی‌ها سعی در خدشه‌دار کردن چهره او نمودند؛ اما برعکس گفته‌های غربی‌ها خدمات شایانی برای اسلام و مسلمین انجام داد و دست به اصلاحات بزرگی زد که به سبب آن اروپا و هم‌فکرانش بار دیگر منافع و مواضع خود را درخطر دیدند و بازنده شدن خاطره سلاطین مقتدر عثمانی در ذهن‌شان، لرزه بر اندام آن‌ها افتاد.

عبدالحمید فکر روشن و جهان‌بینی خوبی را صاحب بود، او بارها می‌گفت که جنگ عثمانی با ایران و اختلاف ترکیه با ایرانی‌ها نتیجه و ثمره آن برای انگلیس بوده است؛ اما ترویج وحدت اسلامی در داخل و خارج امپراتوری و محدود ساختن غربی‌سازی عوامل اصلی در احیای امپراتوری عثمانی می‌باشد.

سلطان عبدالحمید دوم با فتوای شیخ‌الاسلام ضیاءالدین افندی پس از برکناری‌اش از سلطنت در همان شب توسط قطار (ریل) به منزل آلاتینی در تسالونیک انتقال و بعد پس از ۳ سال تحت بازداشت خانگی در سال ۱۹۱۲م به کاخ بیگلربیگی در استانبول انتقال داده می‌شود. سلطان عبدالحمید دوم در ۵ فروردین ۱۹۱۸م به مریضی سرماخوردگی گرفتار شد و بعد در اثر درد شدید معده در روز دهم فروردین ۱۹۱۸م وفات کرد. مقبره او در استانبول، درراه دیوان بزرگ، در نزد مقبره پدر کلان‌اش (سلطان محمود دوم) می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۸، ص. ۹۸).

ب) اوضاع حکومت عثمانی قبل از به قدرت رسیدن سلطان عبدالحمید

۱. آغاز عصر تنظیمات

در خاک امپراتوری عثمانی بعد از وفات سلطان محمود دوم وضعیت تغییر می‌کند، البته این وضعیت در دوران حکومت پسران او سلطان عبدالحمید و سلطان عبدالعزیز؛ یعنی از سال

۱۸۳۹م به بعد دوره به نام دوره تنظیمات شروع می شود، این دوره با به سلطنت رسیدن سلطان عبدالحمید اول، پدر سلطان عبدالحمید دوم آغاز گردیده، در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم به اوج خود می رسد.

در رأس این تنظیمات مصطفی رشید پاشا، فواد پاشا، محمدامین علی پاشا بودند، آن ها تشخیص نمودند که نهادهای مذهبی و نظام قدیمی، دیگر جواب گوی نیازهای امپراتوری در جهان مدرن نیست؛ بلکه تغییرات در طرز فکر مدیران امپراتوری لازم و ضروری است. این تنظیمات جهت مبارزه با قدرت های اروپایی و جلوگیری از ضعف امپراتوری عثمانی که مرزهایش در حال کوچک شدن و توانش در مقابل قدرت های اروپایی در حال کاهش بود، آغاز یافت (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۹۵).

دولت عثمانی در دوره تنظیمات، در محدوده وسیعی بر پایه تقلید از غرب به اصلاحات و تغییرات زد. به اقتباس از روش های غربی پرداخت؛ در حالی که این دولت، در ساختار بنیادی خود اسلام باقی ماند. همه چیز در دولت عثمانی و گاه گونه اسلامی، وصف می شد؛ اما به عنوان ترکی وصف نمی گردید. این زمان، اندیشه های ناسیونالیستی ترکی، به هیچ روی در اندیشه دولت مردان، فرهنگیان جامعه و نیز اذهان عامه مردم در مملکت وجود نداشت، از آنچه گذشت می توان دریافت که ترکان عثمانی پیوند عمیقی با اندیشه ملی عثمانی اسلامی داشته و از گرایش قوم گرایانه ترکی به دور بوده اند. این وضعیت تا سقوط سلطان عبدالحمید دوم ادامه داشت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۰).

۲. ظهور ترکان جوان

اروپای غربی به رهبری انگلیس، بر آن بود تا دولت عثمانی را نابود و سرزمین های آن ها را تقسیم کند. به همین دلیل از ایجاد جنبش های ناسیونالیستی، آن هم به دست ترکان جوان روشنفکر و فرهنگی که در غرب تحصیل کرده و آموزش های لائیک دیده بودند، کار را آغاز کردند (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۴).

بدین ترتیب جنبش ناسیونالیستی ترکی در قدم اول یک جمعیت سری (مخفی) را ایجاد کردند تا برنامه های جنبش را تدوین کنند. آهسته آهسته در میان نویسندگان ترک، سخنان تازه و اندیشه های جدید؛ مانند آزادی فردی، وطن، مشروطه خواهی، پارلمان وغیره به میان آمده و نارضایتی شان از سیاست سلطان عبدالعزیز حروف به انقلاب رسید؛ اما نفرت عبدالعزیز از گرایش های نو و غربی سبب شد که اعضای جنبش ترکان جوان به خارج از کشور گریختند. شماری از آن ها در پاریس و برخی در لندن اقامت گزیدند.

مهاجرت رهبران ترکان جوان به اروپای غربی، هم‌زمان با آغاز تحول در جنبش قومی ترکیه از صحنه ادبیات به سیاست بود. در سال ۱۸۶۸م برای نخستین بار در لندن، نشریه‌یی که به نام اتحاد ترکان جوان آزادی‌خواه (جریده الحریه) را ارائه می‌کرد، پدید آمد. رئیس تحریریه این جریده، رفعت‌بیک بود. شماره نخست این نشریه حاوی دو مقاله اساسی بود که هر دو به خامه نامق کامل بود. یکی تحت عنوان الوطنیه و دیگری الشوری نام داشت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۱).

در مقاله نخست بر اندیشه ناسیونالیستی، آزادی فردی و ملی زیاد تأکید شده و در مقاله دوم بر (مسئول بودن، کمی و کاستی‌های دولت عثمانی در قبال مردم را بیان می‌کرد. درحالی‌که بیشتر مقالات این نشریه بر اندیشه وطنی‌گری ارتباط داشته است، نویسندگان این نشریه گرفتار تبعید و زندانی شده تحت فشار قرار گرفتند.

در سال ۱۸۷۱م دو گرایش اساسی در دولت عثمانی به چشم می‌خورد که هر دو درباره اصلاحات و نظام حکومتی با یکدیگر درگیر بودند: نخست گرایش اصلاح طلبی و دوم جریان محافظه کار که به عدم برخورد با قدرت سلطان و عناصر اسلامی اعتقاد داشت؛ چراکه این اعتقاد سبب حفظ قدرت دولت می‌شد؛ اما به مرور برخی از گروه‌ها از برخوردهای مستبدانه سلطان به خشم آمدند. به دنبال آن، دشواری‌های چندی، محصول اوضاع نامناسب اقتصادی و اعلان ورشکستگی دولت عثمانی بود، پدید آمد. این وضع سبب ترویج افکار مشروطه‌خواهی و مجلسی شد، افکار که مدحت پاشا و دیگران در این زمینه ارائه می‌کردند، در روزنامه‌ها مورد توجه و مناقشه قرار گرفت. محافظه‌کاران دشواری‌های دولت را به بحث تنظیمات، رشد جریان لائیک، نفوذ بیگانگان، دخالت آنان در شیون دولت، برابر دانستن مسلمانان و غیرمسلمانان، منتسب بر آن‌ها، طرد معلمان و متخصصان خارجی و نیز سخت‌گیری بر مدارس خارجی گردید (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۱).

ج) امپراتوری عثمانی در آغاز سلطنت عبدالحمید دوم

سال‌های نخست سلطنت عبدالحمید تقریباً سال‌های سخت و نامساعد بود. در آغاز سلطنت در سال ۱۸۷۶م انقلاب در منطقه هرزگوین شعله‌ور گردید و این به تحریک ساکنان جبل اسود و صرب‌ها بود. این شورش سرکوب شد، به دنبال آن دولت برای جلوگیری از دخالت دول اروپایی، فرمانی برای تفکیک قوه قضائیه از مجریه صادر کرد. هم‌چنین فرمانی درباره برابری مالیات‌های مسلمانان و نصارا صادر نمود. با این حال، ساکنان آن مناطق راضی نشدند و بار دیگر سر به شورش برداشتند که بازهم سرکوب شدند. دولت اتریش که پشت سرشورش‌ها بود و

بحث پیوستن بوسنی هرزگوین را به مملکت خود دنبال می‌کرد، به کار تحریک ساکنان بر ضد دولت عثمانی می‌پرداخت.

همان زمان، شورشی هم در بلغارستان پدید آمد که عامل آن مسیحیان بوسنی هرزگوین بودند، محرک آنان در دولت اتریش و سایر دول اروپایی و روسیه بود. (Aksun, 2010, p. 30)

۱. تدوین قانون اساسی جدید

در همین زمان تلاش‌های زیادی از سوی مدحت پاشا برای تهیه و تصویب متن نهایی قانون اساسی صورت می‌گرفت. سلطان، مدحت پاشا و چند نفر دیگر را مأمور تهیه پیش‌نویس‌های اولیه برای قانون اساسی و همچنین تشکیل گروه‌های مختلف برای بررسی آن‌ها نموده بود. این گروه تحت ریاست مدحت پاشا قرار گرفت و روی هم‌رفته ۲۸ عضو داشت که ۱۶ تن از آنان از دیوانیان، ۱۰ تن از علماء و دو تن دیگر از نظامیان بودند.

در ماه اکتوبر پس از مباحثات بسیار تشکیل مجلس به تصویب کمیسیون رسید که مرکب از دو مجلس یک مجلس سنا (مجلس اعیان) که اعضای آن از ۳۰ الی ۵۰ می‌رسید، اعضای آن مادام‌العمر توسط سلطان انتخاب می‌گردید و یک مجلس دیگر به‌نام مجلس مبعوثان (تعیین شدگان) که این مجلس از ۱۲۰ نماینده انتخابی از میان مسیحیان و مسلمانان تشکیل می‌شد؛ دوره قانونی آن سه سال بود و هر سال یک‌سوم از کل نمایندگان جای خود را به نمایندگان جدید می‌دادند. با خاتمه یافتن کار کمیسیون، مدحت برای دومین بار در ۱۹ دسامبر ۱۸۷۶ م به مقام وزیر اعظمی منصوب شد و قانون اساسی در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ م مشتمل بر ۱۱۹ ماده و ۱۲ بخش اعلام شد (لاموش، ۱۳۱۶، ص. ۳۴۸).

۲. ترکان جوان و سلطان عبدالحمید

طی دوره‌ی سلطنت عبدالحمید در نتیجه شکوفا شدن تعلیم و تربیه علاوه بر آن که صدها تن مامور دیوانی، دکتر، افسر و نویسنده خواستار فعالیت در چارچوب نظام، تربیت شدند، افکار سیاسی لیبرالی اروپای غربی نیز به اذهان آنان راه یافت.

در داخل امپراتوری، کمیته‌ی اتحاد و ترقی هم‌چنان گسترش می‌یافت و نه‌تنها در میان معلمان و شاگردان؛ بلکه در میان برخی کارمندان، افسران ارتش و حتی علماء نیز نفوذ کرده بود. اعضای گروه در برابر ادعاهای گروه‌های اقلیت ملی‌گرا که در اروپا فعال بودند، به تلاش‌های خود در حفظ وحدت و یکپارچگی کشور هم‌چنان ادامه می‌داد؛ اما مخالفت آنان با

سلطان به نسبت ناکامی‌هایی که نصیبشان می‌شد، شدت می‌گرفت (حضرتی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۲).

سلطان نیز از انتقادهای وی غفلت نمی‌کرد، وی همواره خود را فردی اصلاح‌گر می‌دانست و درحالی‌که از کسانی بیهوده در اروپا عمر می‌گذراندند و از انجام کارهای سخت که لازمهٔ نوسازی امپراتوری است ابا داشتند، سخت خشمگین بود (احمد، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۴).

جنبش ترک‌های جوان در سال ۱۹۰۱م؛ یعنی زمانی احیاء شد که داماد محمود پاشا (۱۸۵۳-۱۹۰۳م) نوه محمود دوم و شوهرخواهر سلطان از سلطان ضربه خورد؛ یعنی انتصاب وی در مقام‌هایی بسیار پست‌تر از آنچه که وی خود را به لحاظ درجه و اعتبار شایسته‌اش می‌دانست، انجامید.

در واکنش به فعالیت‌های ترکان جوان و به‌منظور کمک به امر استحکام بخشیدن امپراتوری در برابر همهٔ خطرات داخلی و خارجی، عبدالحمید دو جنبش را تقویت کرد. اسلام‌یسم که بر احیای ارزش‌ها و سنت‌های اسلام به‌عنوان دین و فرهنگ و هم‌چنان تحقق آرمان برقراری وحدت میان مسلمانان همهٔ جهان تأکید داشت و ترکیسم که به سنت‌های ترکی فرهنگ عثمانی اهمیت می‌داد و در پی آن بود که احساس وحدت در میان ترکان جوان را زنده کند (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۳۶-۴۳۸).

د) اصلاحات سلطان عبدالحمید

۱. زراعت

مدتی به طول انجامید تا زراعت توانست توجه (مسئولان را چنان‌که باید به خود معطوف کند تا سال ۱۸۹۳م، سیاست‌های کشاورزی را شاخه‌یی از وزارت تجارت و امور عام‌المنفعه تحت عنوان (مدیر زراعت) تعیین می‌کرد.

باوجوداین، کشاورزی عثمانی طی دورهٔ سلطنت طولانی عبدالحمید به گونه‌یی قابل‌ملاحظه گسترش یافت. توسعهٔ شبکه راه آهن و حضور کارگزاران شرکت‌های خارجی که مشتاقانه در پی فروش محصولات خود بودند، به امر گسترش کشاورزی کمک کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۹۲-۳۹۹).

۲. توسعه صنعتی

تأکید بر کشاورزی و مواد خام با طرز فکر رایج در مدرسه منچستر که حامی تجارت آزاد بود، به‌خوبی همخوانی داشت؛ این مدرسه القاء می‌کرد که هر کشوری باید به انجام کاری مبادرت

ورزد که به بهترین وجه از عهده آن برمی‌آید؛ بنابراین، بریتانیا به گسترش تولیدات صنعتی روی آورد و در این زمینه به موفقیت‌های ناآل شد. درحالی‌که تلاش کشورهای توسعه نیافته بر تولید مواد خام و خرید کالاهای بریتانیایی متمرکز شد (لعل‌نهر، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۱).

در رویارویی با رقابت صنعت اروپا، حتی صنایع هواپیماسازی عثمانی که توسعه یافته بود، دچار مشکل و مضیقه شد. سیاست‌گذاران و متفکران در پی‌ریزی کنند که امپراتوری و مردم آن نیز بتوانند در ثروت و رفاه جهانی سهیم شوند؛ بنابراین، عبدالحمید صنایع موجود اسلحه‌سازی و تولید پوشاک را گسترش داد؛ صناعی که در اصل به‌منظور تأمین نیازهای نیروهای مسلح تدارک شده بود. کارخانه‌های چینی‌سازی و پارچه‌بافی که به همت عبدالعزیز و به‌منظور تأمین نیازهای قصر تأسیس شده بودند، تولید کالاهایی را آغاز کردند که عامه مردم قدرت خرید آن را داشته باشند. سرمایه‌های خصوصی در راه گسترش کارخانه‌ها و رقابت با کارخانه‌های اروپایی تشویق شد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۰۴-۴۰۲).

۳. زندگی شهری

طی سلطنت عبدالحمید، زندگی شهری به گونه‌ی بارز تغییر کرد. در استانبول، از میر، ادرنه، سالونیک و سایر شهرهای مهم، خیابان‌ها و پیاده‌امتیاز اداره آن‌ها به خارجیان واگذار می‌شد، در خیابان‌های شهر رفت‌وآمد داشتند. هزاران تاجر خرده‌پا وجود داشتند که کالاهای و وسایل تجملی خود را در هر نقطه از جهان به فروش می‌رساندند، هزاران دفتر پستی، شبکه تلگراف و خطوط کشتیرانی ارتباط داخلی و خارجی را تأمین می‌کرد. ارائه خدمات طبی به شیوه‌های جدید طاعون را که همواره خطری تهدیدکننده بود، ریشه‌کن کرد و برای عموم مردم در مقایسه‌ی با سده پیش از آن، زندگی سالم و مطمئن‌تری به ارمغان آورد (لیتل فیلد، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۵).

۴. خطوط راه آهن

احداث شبکه راه آهن اندکی پس از جنگ کریمه آغاز شد و به دلیل بحران‌های مالی اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰ م نیمه‌تمام ماند، طی سلطنت عبدالحمید خان یکی از بخش‌های مهمی بود که علاقه اروپاییان را به سرمایه‌گذاری در آن جلب کرده بود. بیشتر خطوط اولیه راه آهن را شرکت‌های اروپایی تحت تأثیر تضمین‌های حکومت عثمانی انجام داده بودند؛ اما تا سال ۱۸۸۸ م تنها ۱۷۸۰ کیلومتر راه آهن در امپراتوری احداث شده بود، به‌جز مسافت کوتاهی که در جلگه آدانا ریل‌گذاری شده بود. بقیه خطوط راه آهن در ترکیه یا ولایت منتهی‌الی غربی

آناتولی احداث خط راه آهن در مقیاسی گسترده اقتصاد امپراتوری را گسترش بخشید (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۸۶-۳۸۸).

۵. سنگ‌فرش کردن جاده‌ها

شبکه خطوط راه آهن با احداث شبکه‌های ارتباطی دیگر در امپراتوری تکمیل شد. کار اجباری که سابقه آن به سال ۱۸۶۹ م بازمی‌گشت، دوباره به‌منظور احداث جاده‌ها و تعمیر آن‌ها تا سال ۱۸۸۹ م احیاء شد. احداث جاده‌های جدید بدین منظور صورت می‌گرفت که فعالیت‌های مالیاتی و نظامی حکومت و تلاش‌های آنرا در راستای گسترش کشاورزی و تجارت داخلی تسهیل کند.

۶. خطوط کشتیرانی و امور لنگرگاه‌ها

عبدالحمید به حمل‌ونقل دریایی توجه بسیاری نشان نداد و کشتی‌های بخاری که وجود داشت، عمده بر ابتکار و فعالیت شرکت‌های خصوصی اروپایی و عثمانی متکی بود که از زمان شروع دوره تنظیمات فعالیت خود را در امپراتوری آغاز کرده بود (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۸۹).

۷. دستگاه اداری حکومت

دست اصلاح‌گر سلطان در چندین بخش دیگر حکومت اصلاحاتی ایجاد کرد. آغاز اصلاحات اداری به دوره‌ی کوتاه اقتدار مجلس بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که برای اداره امور سازمان‌های ولایتی و شهرداری‌ها قوانین مهمی از سوی مجلس اعلام شد. هر شهر در این زمان به ۲۰ بخش تقسیم می‌شد و هر بخش را شورایی مرکب از ۸ تا ۱۲ عضو انتخابی اداره می‌کرد؛ شوراهای یادشده به مختارها و مأمورین پلیس در اجرای وظایف محوله یاری می‌کردند (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۱۶).

۸. توسعه نظامی

عبدالحمید طی نخستین سال‌های سلطنت بیشترین توجه خود را به امر نوسازی نیروهای مسلح معطوف کرد. شاید مهم‌ترین تحول انجام‌شده در این سال‌ها تجدید نقش دیرینه‌ی نظامی نیاکانش بود.

نظام جدید را به نام سواره‌نظام حمیدیه به تقسیمات لشکر اضافه شد. ۱۸۹۱ م واحد سواره نظام از قبایل کرد و ترکمن‌های آناتولی شرقی تشکیل می‌شد، در آغاز، مقصود از سازمان‌دهی واحد جدید رویارویی با نیروهای قزاق در کریمه و همچنین اعمال نظارت بر قبایل از طریق ایجاد سازمان جدید بود.

۹. تعلیم و تربیه

برای کسانی که تصدی اجرای برنامه اصلاحی و نوسازی تنظیمات را بر عهده داشتند، آموزش غیرمذهبی، مقصودی واقعی و عینی تلقی می‌شد، برای کسانی که می‌بایست چرخ حکومت، دستگاه قضایی و ارتش را به حرکت درآورند، فراگیری چنین آموزش‌هایی ضرورت داشت. عبدالحمید در برنامه‌ی اصلاحی خود به سال ۱۸۷۹ م تأکید کرد: اگر در سازمان آموزشی عمومی موجود کاستی‌ها و اشکالاتی وجود دارد، باید به کلی برطرف شود. از این رو، وی برنامه‌ی گسترده‌ی را به منظور توسعه‌ی مدارس درهم سطوح و در سراسر امپراتوری پیشنهاد کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۱۶-۴۱۸).

هـ) برکناری سلطان عبدالحمید از اریکه قدرت

بعد از به وجود آمدن ترکان جوان، گروه دیگری روی کار آمد که به نام کمیته‌ی اتحاد و ترقی نامیده می‌شد. این کمیته کوشید که پشتیبانان خود را در سراسر امپراتوری سازمان دهد و از گروه‌های اقلیت ملی که از سال ۱۹۰۹ م به این طرف با کمیته همکاری کرده بودند، نیز تقاضای کمک کردند. در اتخاذ چنین موضعی از سوی محمود شوکت، به ویژه مصطفی کمال از وی پشتیبانی کرد. مصطفی کمال پس از موفقیت‌های اولیه که در سازمان‌دهی کمیته اتحاد و ترقی کسب کرده بود، از سوی رهبران کمیته کنار زده شد. او پس از آن تشکیلات را رها کرد و با مشارکت نظامیان در امور سیاسی به مخالفت پرداخت، در این زمان مصطفی کمال لشکر مقدونیه را برای حرکت به سوی پایتخت سازمان داد، وی واگن‌های قطار را مملو از سربازان کرد و (لشکر عملیات) (حرکت فردوسی) را سازمان‌دهی کرد که در این برهه تحت فرماندهی حسین حسن به سوی استانبول به راه افتاد، از آن جا که لشکر عملیات با هدف اعاده نظم وارد عمل شده بود. عبدالحمید در آغاز با این اقدام موافقت و از ورود آن‌ها به استانبول استقبال کرد؛ اما دیری نباید که لشکر عملیات رویه دقیقاً مخالف به آنچه سلطان انتظار داشت، در پیش گرفت. بیشتر نمایندگان و اعضای مجلس اعیان به اعضای قبلی و فعلی کابینه ملحق شدند تا با نظامیان قطار در حال پیشروی به سوی استانبول در خارج شهر در یشیل کوی (سان استانفو) دیدار کنند. بدین امید که موافقت آنان را با بازگشایی مجلس و دفاع از قانون اساسی بدون برخورد نظامی جلب کنند. در ۲۲ اپریل سال ۱۹۰۹ م، نمایندگان مجلس مخفیانه و تحت عنوان مجلس عمومی ملی (مجلس عمومیه ملی) و با ریاست وزیر اعظم پیشین، سعید پاشا که در این زمان ریاست مجلس اعیان را بر عهده داشت، تشکیل جلسه دادند. نمایندگان برای آن که به ارتش اطمینان خاطر دهند که آنان در شورش ضدانقلابی نداشته‌اند و از حکومت جدید نیز پشتیبانی نکرده‌اند، تصمیم گرفتند که عبدالحمید را از

سلطنت خلع کنند؛ اما برای این که خطر مقاومت در استانبول را کاهش دهند، این بخش از تصمیمات را افشاء نکردند. در بامداد روز ۲۴ اپریل، لشکر عملیات به ایستگاه راه آهن استانبول رسید و پایتخت را به تصرف خود درآورد. سلطان دستور داد که هیچ مقاومتی صورت نگیرد؛ اما برخی از پشتیبانانش سنگر گرفتند و در نزدیکی باب عالی و نیز در سربازخانه‌هایشان در ساحه اسکدار دلیرانه جنگیدند؛ اما تا پایان روز این مقاومت‌ها درهم کوبیده شد. محمود شوکت حکومت نظامی اعلام کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۷۲-۴۷۶).

سه روز پس از این رخداد، آخرین گام نیز برداشته شد، در ۲۷ اپریل مجلس دوباره تحت عنوان مجلس عمومی ملی، این بار در مسجد ایاصوفیه و به ریاست سعید پاشا، تشکیل جلسه داد. مجلس ملی با کسب فتوایی خلع سلطان را به اتهام همدستی در برپایی شورش ضدانقلابی و کشتاری که متعاقب آن اتفاق افتاد، هم‌چنین به اتهام چپاول ذخایر کشور و حکومت برادرش محمد پنجم (رشاد) را اعلام کرد. سلطان و اعضای خانواده‌اش را فوراً همان شب با قطار ویژه‌ی به سالونیک اعزام کردند، چنان که صبح روز بعد مردم و پشتیبانان سلطان در مقابل عمل انجام‌شده‌ی قرار گرفتند که امکان هیچ‌گونه مخالفت عملی در برابر آن برای‌شان وجود نداشت. عبدالحمید پس از ۳۳ سال سلطنت درحالی که هنوز ۶۶ سال بیشتر نداشت، این رخدادها را مشیت الهی دانست و در سالونیک زندگی آرامی را آغاز کرد تا این که در سال ۱۹۱۲ م، از بیم آن که مبادا وی طی جنگ‌های بالکان به دست بیفتد به استانبول فراخوانده شد. از این پس وی در بیلربی در ساحل آناتولیایی تنگه‌ی بسفور اقامت گزید و شش سال بعد در ۱۰ فبروری سال ۱۹۱۸ م درگذشت. بدین اساس زندگی یکی از برجسته‌ترین سلاطین عثمانی در هاله‌ی از ابهام و با خواری خاتمه یافت.

در حقیقت، اگر اصالت دولت عثمانی و ریشه‌های عمیق آن بود، همه‌چیز بر باد رفته و اوراق آن در همان قرن هجدهم یا نوزدهم درهم‌پیچیده شده بود؛ اما به دلیل وجود همین اصالت بود که در برابر طوفان‌های روزگار برای بیش از قرن دوام آورد؛ اما درنهایت به دلیل تجاوز استعمارگران و نیز در نتیجه ضعف شدیدی که در ارکان دولت رسوخ کرده بود که البته عبدالحمید (مسئول آن نبود، سرزمین‌های این دولت، مورد غارت استعمارگران اروپایی که از دیرزمان در پی انحلال این دولت بودند، قرار گرفت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۶-۱۹۸).

نتیجه‌گیری

در نتیجه مهم‌ترین عوامل که باعث شد تا سلطان عبدالحمید دوم به قدرت برسد می‌توان از بحران سیاسی و ضعف سلطان مراد پنجم به دلیل مشکلات روانی و عدم توانایی در مدیریت امور، بحران‌های داخلی و خارجی امپراتوری عثمانی نظیر فشار قدرت‌های اروپایی (روسیه، بریتانیا و فرانسه)، شورش‌های قومی و مذهبی و فساد اداری، نفوذ اصلاح‌طلبان و مشروطه‌خواهان عثمانی برای ایجاد یک حکومت مشروطه، حمایت نخبه‌گان سیاسی و تمایل برای ثبات امپراتوری عثمانی، نام برد.

سلطان عبدالحمید دوم به مهم‌ترین دستاوردها و فعالیت‌ها از قبیل، پیش‌برد سیاست پان‌اسلامیسم برای تقویت همبستگی میان مسلمانان جهان، پیشرفت در زیرساخت‌ها، تقویت آموزش و پرورش، حمایت از هنر و فرهنگ، مدیریت بحران‌های خارجی، حفظ استقلال اقتصادی نسبی، توسعه نظامی، تمرکز بر اتحاد امپراتوری و غیره نایل آمده و اقدامات او (راه‌آهن حجاز و توسعه آموزش) تاثیر قابل توجه‌ای بر امپراتوری عثمانی گذاشت که هنوز به عنوان میراث‌های ارزشمند شناخته می‌شوند.

همچنان مناسبات ترکان جوان و سلطان عبدالحمید تحت تاثیر مسائل سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی پیچیده‌ای قرار داشت. که این روابط بیشتر به دلیل اختلاف ایدئولوژیک و تضاد منافع میان شان شکل گرفته بود. سلطان مذکور به حکومت مطلقه و سیاست پان‌اسلامیسم برای تقویت امپراتوری عثمانی باور داشت، او بر وحدت جهان اسلام تاکید می‌کرد و با ایده لیبرال و مشروطه‌خواهان مخالف بود. اما ترکان جوان گروهی با گرایش به لیبرالیسم مشروطه‌خواهی و سیکولاریسم بوده که خواستار اصلاحات و محدود کردن قدرت مطلق سلطان بود و آنها بر ناسیونالیسم ترکی و مدرن سازی تمرکز داشتند که در نهایت منجر به براندازی خلافت عثمانی و انتقال قدرت از سلطان عبدالحمید دوم به مشروطه‌خواهان شدند.

منابع و مآخذ

احمد، اسماعیل. (۱۳۸۵). *دولت عثمانی از ائتد/رتا انحلال*. مترجم رسول جعفریان، تهران: زیتون.

انصاری، مسعود. (۱۳۸۸). *از بادیه‌نشینی تا امپراتوری*. تهران: پروانه.

پاکپور، سبحان. (۱۳۸۵). *تاریخ عثمانی*. تهران: مؤسسه اسلامی قمر بنی‌هاشم.

حسینی، محمدعارف. (۱۳۹۴). سیاست‌های دولت عثمانی (سلطان عبدالحمید دوم) در بقای خود و مقابله با طرح اسکان یهودیان در فلسطین، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۰، پژوهشکده تاریخ معاصر.

حضرتی، دکتر حسن. (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ج ۸، تهران: دانشگاه تهران.

راسخ یلدرم، محمد صالح. (۱۳۹۴). تاریخ و فرهنگ ترکمن‌ها. کابل: الازهر.

شاو، استانفوردجی، شاو، ازل کورال. (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ج ۲، مترجم محمود رمضان زاده، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.

لاموش، سرهنگ. (۱۳۱۶). تاریخ ترکیه. مترجم سعید نفیسی، تهران: کمیسیون معارف.

لعل نهرو، جواهر. (۱۳۸۶). نگاهی به تاریخ جهان. ج ۲، مترجم محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.

لیتل فیلد، هنری ویلسون. (۱۳۸۱). تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد. مترجم فریده قره چه داغی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.

Aksun, Z. (2010) *II. Abdülhamid Han*. İstanbul: Ötüken Neşriyat.